

| ردیف | سؤالات | نوع |
|---------------|--|-----|
| ۱/۵ | <p>۱ معنی واژگانی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است را بنویسید.</p> <p>الف) این <u>صَلت</u>، فخر من است. پذیرفتم و باز دادم.</p> <p>ب) چون <u>موسم</u> حج رسید برخاست / اشتر طلبید و <u>محمل</u> آراست</p> <p>ج) ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک / خدا داند چه <u>افسرها</u> که رفته</p> <p>د) بروید ای رفیقان بکشید یار ما را / به من آورید <u>آخر صنم</u> گریزپا را</p> <p>ه) سپیده فردای گنجه با <u>نهیب</u> و صغیر گلوله‌های سپاه روس باز شد.</p> | ۱ |
| ۱/۵ | <p>۲ در عبارات زیر، غلط‌های املائی را یافته و آنها را تصحیح کنید.</p> <p>گفت: «تو را به حضرت می‌برم تا از تو خلیفتی می‌آفریند.» خاک سوگند برداد: «به عزت و زوال‌جلالی حق که مرا مبر که من طاقت ندارم. من نهایت بعد برگزیدم که غربت را خطر بسیار است.»</p> | ۲ |
| ۱ | <p>۳ نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید.</p> <p>الف) در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن / من <u>خود</u> به چشم <u>خویشتن</u> دیدم که جانم می‌رود</p> <p>ب) روز دوشنبه، <u>امیر مسعود</u>، <u>شبگیر</u> برنشست و به کران رود هیرمند رفت.</p> | ۳ |
| ۱ | <p>۴ واژه «کدخدا» را یکبار به عنوان هسته و یکبار به عنوان شاخص در <u>جمله</u> به کار ببرید.</p> <p>هسته: _____ شاخص: _____</p> | ۴ |
| ۲/۵ | <p>۵ با توجه به ابیات زیر، به سوالات پاسخ دهید.</p> <p>مجنون چو حدیث عشق بشنید / اول بگریست، پس بخندید از جای چو مار حلقه برجست / در حلقه زلف کعبه زد دست می‌گفت گرفته حلقه در بر / کامروز منم چو حلقه بر در گرچه ز شراب عشق مستم / عاشقتر از این کنم که هستم</p> <p>الف) در ابیات بالا دو تشبیه بیابید. ۱.</p> <p>ب) اضافه استعاری در کدام بیت به چشم می‌خورد؟ ۰/۵</p> <p>ج) یک جناس و کنایه بیابید. ۱.</p> | ۵ |
| صفحه ی ۱ از ۲ | | |

| | |
|---------------|--|
| ۲ | <p>۶ جمله معلوم را مجهول، و جمله مجهول را معلوم کنید.</p> <p>الف) مهمات جنگ به فرمانده نیروها سپرده شدند.</p> <p>ب) کاوه، پیشبند چرمی خود را مانند پرچم برافراشت.</p> |
| ۱ | <p>۷ پدیدآوردگان آثار زیر را ذکر کنید.</p> <p>الف) مرصادالعباد: (ب) اسرارالتوحید:</p> |
| ۱/۵ | <p>۸ شعر زیر را کامل کنید.</p> <p>دید یکی عرصه به دامان کوه /</p> <p>..... / شاهد آن روضه فیروزه فام</p> <p>بازکشید از روش خویش، پای /</p> |
| ۴ | <p>۹ درک مطلب</p> <p>الف) شاعر در بیت زیر قصد بیان چه نکته‌ای را دارد؟</p> <p>در آن تاریک شب می‌گشت پنهان / فروغ خرگه خوارزمشاهی</p> <p>ب) در عبارت زیر، مقصود شاعر از قسمتهای مشخص شده چیست؟</p> <p>«مردمی که خانه‌های تاریک و بی دریچه عادت کرده‌اند از پنجره‌های باز و نورگیر گریزان هستند.»</p> <p>ج) در جمله «این مرد بزرگ و دبیر کافی به نشاط قلم در نهاد» این <u>مرد کیست</u> و <u>دبیر کافی</u> به چه معناست؟</p> <p>د) درباره اصطلاح پیر و مراد و پیوند آن با زندگی مولوی توضیح دهید.</p> |
| ۲ | <p>۱۰ معنی ابیات و عبارت را به نثر روان بنویسید.</p> <p>الف) حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام برکار کرد. چون کار به خلقت آدم رسید گفت: «آئی خالق بشرأ من طین.»</p> <p>ب) من هیچ مستحق نشناسم در بست که زر به ایشان توان داد. مرا چه افتاده است که زر کس دیگر برد و شمار آن به قیامت مرا باید داد؟ به هیچ حال این عهده قبول نکنم.</p> |
| ۲ | <p>۱۱ مفهوم کلی ابیات زیر را بنویسید.</p> <p>الف) به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی موی باشد بیش و نی کم</p> <p>ب) کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای</p> |
| صفحه ی ۲ از ۲ | |

راهنمای تصحیح

| | |
|----|--|
| ۱ | الف) بخشش، انعام، جایزه ب) هنگام / کجاوه و مهد ج) تاج د) بت، دلبر ه) فریاد، هراس، هیبت |
| ۲ | حضرت / ذوالجلالی / قربت |
| ۳ | الف) بدل / مضاف الیه ب) نهاد / قید زمان |
| ۴ | هسته: کدخدای ده، مرد عادل است. شاخص: کدخدا رضا به کار کشاورزان رسیدگی کرد. |
| ۵ | الف) حلقه زلف / شراب عشق / چو مار حلقه برجست / منم چو حلقه بر در ب) زلف کعبه ج) جناس: عشق و عاشق / در و بر / بر و بر / در و در کنایه: دست زد: متوسل شد |
| ۶ | الف) آنها مهمات جنگ را به فرمانده نیروها سپردند. ب) پیشبند چرمی مانند پرچم برافراشته شد. |
| ۷ | الف) نجم الدین رازی یا نجم دایه ب) محمدبن منور |
| ۸ | عرضه ده مخزن پنهان کوه / نادره کبکی به جمال تمام / در پی او کرد به تقلید جای |
| ۹ | الف) رو به زوال بودن حکومت خوارزمشاهی ب) افکار تازه / اطلاعات روز دنیا ج) این مرد بو نصر و دبیر کافی به معنای نویسنده کاردان است. د) پیر، شخصیتی وارسته است که شایستگی هدایت دیگران و روشن کردن راه حقیقت را دارد. شمس، پیر و مراد مولوی بوده است. |
| ۱۰ | الف) خداوند بلندمرتبه وقتی همه موجودات را می آفرید در ساختن هر چیز از واسطه‌ای بهره برد. وقتی نوبت به آفرینش انسان رسید گفت: «من انسان را از خاک می آفرینم» ب) من در بست هیچ نیازمندی را نمی شناسم که بتوانم این طلاها را به او بدهم. این چه کاری است که طلا را کس دیگری ببرد اما من به خاطر آنها در قیامت بازخواست شوم. به هیچ عنوان این مسئولیت را نمی پذیرم. |
| ۱۱ | الف) نظم آفرینش ب) نیکی به مردم |